

اعتباریابی و اعتمادسازی در مطالعات اسلامی با تأکید بر دانش مدیریت

محسن منطقی*

دانشیار گروه مدیریت اسلامی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.

Manteghi@iki.ac.ir

چکیده

بخش مهمی از تلاش‌های محققان در پژوهش‌های مدیریت اسلامی، براساس پژوهش‌های کیفی و مبتنی بر اسناد و متون دینی است. همان‌گونه که پژوهش‌های کمی با روایی و پایایی ارزش علمی پیدا می‌کند، پژوهش‌های کیفی نیز نیازمند عناصر اطمینان‌بخش هستند که توانایی اعتباریابی و اعتمادسازی را داشته باشند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی، مستند به دانش اصول فقه و فلسفه اسلامی، به شناسایی عناصر اصلی اعتباریابی و اعتمادسازی در پژوهش‌های مدیریت اسلامی پرداخته است. یافته‌های اساسی این پژوهش شناسایی چهار عنصر استناد دینی، انسجام و هماهنگی، مطابقت با واقعیت و کارآمدی، به‌عنوان معیار اصلی در پژوهش‌های مدیریت اسلامی است. هر یک از این عناصر دارای سنجه‌ها و ملاک‌هایی برای پایش عناصر اصلی هستند که محقق می‌تواند با استفاده از آن‌ها، نسبت به ارزشمندی پژوهش اطمینان حاصل کند.

کلیدواژه‌ها: اعتباریابی، اعتمادسازی، استناد دینی، انسجام، مطابقت، کارآمدی.

مقدمه

شناسایی و طراحی روش تحقیق مناسب و اطمینان‌بخش از دغدغه‌های مهم اندیشمندان و دانش‌پژوهان مدیریت اسلامی است. آنان تلاش دارند با رعایت روش‌های پذیرفته‌شده و اثبات‌شده، تحقیقات مدیریت اسلامی را در سطح علمی ارائه کنند. در این زمینه نیاز است که مؤلفه‌ها و ابعاد روش‌های تحقیق در مدیریت اسلامی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. عمده تلاش‌های محققان در پژوهش‌های مدیریت اسلامی، در مسیر پژوهش‌های کیفی است. همان‌گونه که پژوهش‌های کمی با روایی و پایایی اطمینان‌مخاطب را جلب می‌کند، پژوهش‌های کیفی نیز نیازمند ابزارهای اطمینان‌بخش هستند.

بیان مسئله

پایایی یا قابلیت اعتماد^۱ و نیز روایی یا اعتبار^۲ دو عنصری هستند که به پژوهش‌ها و جهت علمی می‌دهند. پایایی بیان‌کننده درجه ثبات، همسانی و قابلیت پیش‌بینی است. روایی بیان می‌کند سنجش‌های تحقیق همان چیزی را اندازه‌گیری می‌کنند که قصد اندازه‌گیری آن را داشته‌ایم (هومن، ۱۳۹۱: ص ۱۱۷). تاکنون شیوه‌های مختلفی به منظور دستیابی به روایی و پایایی، در تحقیقات ارائه شده است. روایی و پایایی نزد اثبات‌گرای منطقی، پذیرفته شده و مقبول است. آنان در تحقیقات کمی، با استفاده از شیوه‌های تجربی روابط علی بین متغیرها را سنجش کرده و نسبت به نتایج تحقیق اطمینان حاصل می‌کنند. در تحقیقات مدیریت با رویکرد کمی، سؤال اساسی این است که آیا روش به کار گرفته‌شده در پژوهش توانایی این را دارد تا آنچه قصد سنجش آن را دارد به خوبی بسنجد و نتایج پژوهش صحت دارد یا نه؟ پاسخ به این سؤال در تحقیقات کمی، با تکیه بر آزمون‌های دقیق آماری ممکن است و می‌توان به نتایج قانع‌کننده‌ای رسید. «روایی» که میزان اطمینان‌بخشی سنجش‌ها را نشان می‌دهد و «پایایی» که شاخص تکرارپذیری را نشان می‌دهد، روش ادعای علمی نیستند، بلکه ویژگی‌هایی است که یک ادعای علمی باید آن را دارا باشد (عزیزی، ۱۳۹۵: ص ۱۶۳).

در سالیان اخیر، استفاده از پژوهش‌های کیفی در مدیریت رواج یافته است. طرفداران پژوهش‌های کمی نیز به منظور دستیابی به نتایج مطمئن‌تر و دقیق‌تر، در کنار شیوه‌های کمی از شیوه‌های کیفی نیز استفاده کرده و برخی از ترکیب این دو روش، یعنی روش‌های آمیخته، استفاده

1. Reliability
2. Validity

می‌کنند. به‌هر حال دغدغه اصلی میزان اطمینان‌بخشی روش‌های به‌کار گرفته‌شده در این‌گونه از روش‌هاست. روش‌های کیفی به دلیل تکیه‌داشتن به برداشت‌های توصیفی - تحلیلی و مبانی تفسیری، نمی‌توانند در معرض بازبینی قرار گیرند زیرا از شرایط آزمون‌های استاندارد شده و تکرارپذیر (همانند روش‌های کمی) برخوردار نیستند و امکان اخذ آزمون صحت را به سهولت روش‌های کمی ندارند. این موضوع زمینه کم‌توجهی جامعه علمی به روش‌های کیفی در مطالعات مدیریت اسلامی شده و علی‌رغم اشکالات و نارسایی‌های فراوان در روش‌های کمی، برخی تمایلی به انجام روش‌های کیفی ندارند؛ از این‌رو، شناسایی و معرفی معیارها برای اعتباریابی و اعتمادسازی روش‌های کیفی مفید است تا اندیشمندان مدیریت بتوانند به‌نحو شایسته‌ای از منابع اسلامی استفاده کنند؛ بنابراین، سؤال اساسی این است که معیارهای اعتباریابی و اعتمادسازی پژوهش‌های کیفی در مدیریت اسلامی چیست؟

ارزیابی پژوهش‌های کیفی

همان‌گونه که اندیشمندان اثبات‌گرا، نیازمند اثبات اطمینان‌پذیری و خطاناپذیری روش‌های به‌کار گرفته‌شده‌اند، اندیشمندان غیراثبات‌گرا نیز خواهان شناسایی و اثبات خطاناپذیری روش‌های به‌کار گرفته‌شده هستند. در این زمینه توافقی بین اندیشمندان وجود ندارد. برخی از محققان بر این باورند که می‌توان از همان اصطلاحات رایج در تحقیقات کمی (روایی و پایایی)، در تحقیقات کیفی نیز استفاده کرد. این عناوین شایسته بررسی صلاحیت‌های علمی تحقیقات کیفی را دارند (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴: صص ۷-۹). برخی دیگر نیز روایی و پایایی را ماهیتاً مناسب پژوهش‌های کمی می‌دانند و آن‌ها را در پژوهش‌های کیفی استفاده نمی‌کنند و درصدد تبیین اصطلاحات مناسب هستند. روایی و پایایی مربوط به روش کمی و پارادایم اثبات‌گرایی است. از این‌رو، نمی‌توان مفاهیم یک پارادایم را در پارادایم دیگر به‌کار گرفت (Giorgi, 1988: pp 167-176).

اساساً یک پژوهش بدون بررسی اعتبار علمی، در اثبات ادعای خود ناتوان است. در تحقیق علمی، تلاش می‌شود که صحت و سقم روش تحقیق به‌کار گرفته‌شده اثبات شده و بیان شود (Onwuegbuzie and Johnson, 2006: p51). مثلاً در تحقیقات کمی، محقق درصدد تبیین این امر است که اگر محققان دیگر این روش تحقیق را به‌کار گیرند، به همان نتایجی دست می‌یابند که وی دست یافته است (پایایی)؛ از سوی دیگر، ابزار و روش به‌کار گرفته‌شده در این تحقیق توانایی شناسایی و انعکاس حقیقت مورد مطالعه را داراست (روایی).

پژوهش در مدیریت اسلامی

دانش مدیریت براساس مؤلفه‌های فرهنگی رشد کرده و شناخته می‌شود (گریزری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۸). مدیریت متکی بر بنیان‌های اعتقادی و ارزشی فرد و جامعه شکل می‌گیرد. سخن گفتن از مدیریت اسلامی، بدان معناست که محققان براساس مبانی اسلامی، درصدد استخراج آموزه‌های مدیریتی هستند. استنباط مدیریت از تعالیم اسلامی، نیازمند بهره‌برداری از منابع اصیل اسلامی، یعنی قرآن، سنت، و عقل است (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷: ص ۳۵). البته این موضوع در همه علوم انسانی جاری است؛ اما تأکید این مطالعه بر مدیریت اسلامی است. استنباط از منابع اسلامی در مراحل فرایند و یافته‌های پژوهش به صورت قاعده‌مند، می‌تواند به دستاوردهای معتبر و اطمینان‌بخش در مدیریت اسلامی منجر شود.

لطیفی (۱۳۹۰) در «روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم»، به موضوع اعتبارسنجی تحقیقات قرآنی پرداخته است. وی ضمن برشمردن صلاحیت‌های شخصی محقق، بر اعتبار درونی و اعتبار برونی تأکید می‌کند. وی دو عنوان ائتمان (برخورداری از قوت در برداشت و فهم آیه، ضمن احتراز از خطای مهلک تفسیر به‌رای) و افاده (پاسخگویی جامع و کامل به مسئله پژوهش) را پیشنهاد می‌کند. توسلی و سعدی (۱۳۹۴) نیز در تبیین مؤلفه‌های حجیت خط‌مشی‌های عمومی، به استناد اجتهادی به دین، انسجام و کارآمدی پرداخته‌اند. در پژوهش‌های اسلامی، شناسایی ملاک‌های اعتباریابی موردتوجه اندیشمندان است. از این رو، برخی از قواعد دانش اصول فقه عهده‌دار این امر بوده‌اند. در دانش «اصول فقه» برخی اصطلاحات (اصول و قواعد) به موضوع اعتباریابی و اعتمادسازی استنباط‌های دینی پرداخته‌اند. مانند بررسی مفهوم «حجیت ظواهر»،^۱ «صحت»،^۲ «استعمال»،^۳ «حقیقت»^۴ و غیره. براساس این مفاهیم، محققان به قواعدی برای اعتباریابی و اعتمادپذیری نتایج پژوهش‌های اسلامی دست می‌یابند و بر این اساس، علمیت یافته‌ها مقبولیت می‌یابد. این موضوع می‌تواند در همه علوم انسانی اسلامی همانند مدیریت اسلامی جاری باشد.

۱. صحت استناد به ظواهر کتاب و سنت در استنباط حکم شرعی.

۲. صحت بر دو نوع است؛ صحت حمل: صحت حمل لفظ بر یک معنا و صحت سلب: صحت سلب لفظ از یک معنا.

۳. استعمال نیز بر دو نوع است؛ استعمال حقیقی: به‌کارگیری لفظ در معنای موضوع له؛ استعمال شرعی: استعمال لفظ توسط شارع در معنایی متفاوت از معنای لغوی و عرفی.

۴. حقیقت: استعمال لفظ در معنای حقیقی آن؛ حقیقت شرعی: وضع لفظ برای معنای خاص توسط شارع.

اعتباریابی و اعتمادسازی در مدیریت اسلامی

مطالعه علوم طبیعی باید آزاد از ارزش‌ها باشد؛ درحالی‌که در مطالعه علوم انسانی، عواطف و ارزش‌ها نقش اساسی ایفا می‌کنند (رووت، ۱۳۸۹: ص ۱۰۴). یک کار پژوهشی در مدیریت که به‌وسیله یک فرد انجام می‌شود، دربردارنده دیدگاه خود او درباره موضوع مورد مطالعه است (گریزی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۹). مبانی اندیشه‌ای محقق، نظریه‌های علمی را شکل می‌دهد و بستر مناسبی برای فهم پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که عالمان اجتماعی در نظریه‌پردازی، بر قضاوت‌های مبتنی بر ارزش تکیه دارند (رووت، ۱۳۸۹: ص ۱۱۰)؛ بنابراین، از نظر آنان، می‌توان در دانش مدیریت ملاک‌ها و معیارهای متناسب با ارزش‌های مورد قبول جامعه ارائه کرد. از سوی دیگر، دیدگاه‌های مختلف در ارزیابی اعتباریابی و اعتمادسازی روش‌های کیفی نشان از آن دارند که نمی‌توان معیار یا ملاک مورد توافقی را شناسایی و تأیید کرد.

به هر میزان که بتوان، پایه‌های بنیادی تحقیق را براساس پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده، استوار کرد، می‌توان به نتایج پژوهش اطمینان بیشتری داشت. پایش اعتباریابی و اعتمادسازی هم باید به‌صورت پیشینی در طول تحقیق مدنظر قرار گیرد و هم به‌صورت پسینی در پایان تحقیق تحقق یابد. با مطالعه دیدگاه‌های اندیشمندان به‌ویژه در رشته مدیریت، می‌توان به این موضوع رسید که مختصات و ابعاد روش‌های تحقیق را باید در دیدگاه‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه جست‌وجو کرد (گریزی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۶). بنیادهای فکری روش‌شناسی، برآمده از مطالعات بنیادی و زیربنای فکری محقق است. بنیادهای فکری همان‌گونه که می‌توانند پرسش‌های روشننگر در روش تحقیق ارائه کنند، به همان میزان نیز می‌توانند پاسخ‌های ارائه‌شده را ارزیابی کرده و بپذیرند یا مردود بشمارند. پیش‌فرض‌هایی که جهان هستی را به‌صورت توحیدی نگریسته و رفتار انسانی را در سازمان، با محور معادباوری درنظر می‌گیرد، با پیش‌فرض‌های مادی که رفتار انسانی را با قطع نظر از ابعاد ملکوتی ساختار وجودی انسان، طراحی می‌کنند نتایج متفاوتی را در روش‌های تحقیق به‌کار گرفته و موردپسند قرار می‌دهند.

بر این اساس، شناسایی اعتباریابی و اعتمادسازی در روش‌های تحقیق مورد توجه دانش مدیریت اسلامی، باید متناسب با مفروضات بنیادی آموزه‌های اسلامی باشد و دروزان آن‌ها قرار گیرد؛ به‌عبارت دیگر، ممکن است برخی از ملاک‌ها و معیارهای پذیرفته‌شده در ارزیابی روش‌های تحقیق مدیریت اسلامی، در دیدگاه مدیریت چینی، مدیریت ژاپنی و مدیریت امریکایی مورد پذیرش قرار نگیرد؛ چنان‌که برخی از ملاک‌ها در ارزیابی علمیت روش‌های تحقیق مورد قبول فرهنگ‌های دیگر، در مدیریت اسلامی پذیرفته نشود، برای ارائه ملاک اعتباریابی و اعتمادپذیری

در روش‌های تحقیق نیازمند کنکاش در مبانی بنیادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی هستیم تا براساس این پیش‌فرض‌ها بتوان قواعد مناسبی برای روش تحقیق شناسایی کرد (شریفی، ۱۳۹۶: ص ۳۴)؛ چنان‌که برای سنجش آن‌ها نیز باید از پنجره این مبانی نگریست و صحت و سقم آن‌ها را پایش کرد.

این تحقیق درصدد است بیان کند که در پژوهش‌های مدیریت اسلامی اعتباریابی و اعتمادپذیری متکی بر پیش‌فرض‌های بنیادی اسلام، می‌تواند براساس چهار عنصر اساسی صورت گیرد؛ استناد دینی، انسجام و هماهنگی، مطابقت با واقعیت و کارآمدی. این چهار عنصر می‌توانند اعتباریابی و اعتمادپذیری را در مدیریت اسلامی نشان دهند. یعنی می‌توانند به تناسب پژوهش‌های اسلامی، هم شاخص تکرارپذیری باشند و هم شاخص اطمینان‌آوری. با بررسی هر یک از این عناصر می‌توان ضمن درک مفهوم آن‌ها، سنججه‌های قابل پایش هر یک را نیز شناخت. سنججه به معنای سنگ ترازو است (فرهنگ غیاث‌اللغات، ج ۱: حرف سین) و در اینجا به معنای معیار و ابزار سنجش به‌کار رفته است؛ یعنی براساس سنججه‌ها می‌توان هر یک از عناصر را سنجید.

۱. استناد دینی

هنگامی که پژوهش در دانش مدیریت، دارای قید اسلامی است، شیوه پژوهش باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان نتایج پژوهش را به اسلام نسبت داد. منابع و روش استناد باید برگرفته از دین باشد. یکی از ابزارها برای اعتمادسازی به یافته‌های پژوهش در آموزه‌های اسلامی، بررسی سندی و محتوایی منابع و برداشت‌هایی است که به دین نسبت داده می‌شود. برای نسبت‌دادن یک گزاره به اسلام، استناد دینی لازم است. استناد دینی یعنی یافته‌های اسلامی باید مبتنی بر منابع اصیل دینی (قرآن، سنت، و عقل) باشد؛ استناد دینی گاهی مستقیم است و گاهی غیرمستقیم. در استناد مستقیم برای بررسی یک موضوع ممکن است به منابع مورد تأیید اسلام مانند عقل، آیات قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) و اجماع استناد شود و براساس آن، به تأیید و یا رد موضوع پرداخته شود. به‌عنوان نمونه، در استناد مستقیم، هنگامی که از نظر اسلام پیرامون کم‌فروشی سؤال می‌شود، به سوره مطففین اشاره می‌شود که خداوند کم‌فروشی را گناه بزرگ می‌داند و آن را نکوهش می‌کند (مطففین: ۱-۵). گاهی نیز استناد غیرمستقیم است؛ در این موارد محقق تلاش می‌کند مفهوم موردنظر را از منابع و استنادات دینی استنباط کند. همانند هنگامی که محقق مدیریت اسلامی احکام شخصیت حقوقی سازمان را از احکام شخصیت حقیقی استنباط می‌کند. در منابع دینی به خصوصیات و شرایط احکام شخصیت حقیقی پرداخته‌اند؛ اما در خصوص شخصیت حقوقی

مانند مفهوم سازمان) مستندی وجود ندارد. محقق تلاش می‌کند با استفاده از تحلیل‌های عقلی و شواهد دینی، شخصیت حقوقی را از مفاهیم و ابعاد شخصیت حقیقی اثبات کرده و برای آن احکامی استنباط کند.

هنگامی که یافته‌ای به اسلام نسبت داده می‌شود، باید مستند و مستدل باشد. در آموزه‌های اسلامی، کسانی که بدون دلیل، موضوعی را به اسلام نسبت می‌دهند مورد مذمت قرار گرفته‌اند. «بگو: آیا روزی‌هایی را که خداوند بر شما نازل کرده دیده‌اید، که بعضی از آن را حلال و بعضی را حرام نموده‌اید؟! بگو: آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا افترا می‌بندید (و از پیش خود، حلال و حرام می‌کنید)؟!» (یونس: ۵۹). اگرچه این آیه درباره احکام فردی (خوردنی‌های و نوشیدنی‌ها) است، ولی معیار مذکور عام است؛ یعنی در هر مورد که انسان‌ها از سوی خود، حکمی صادر کرده و آن را به خدا نسبت دهند، شایسته مذمت‌اند. ضرورت استناد دینی، ناشی از این مبناست که مسلمانان ربوبیت تشریحی خداوند را پذیرفته‌اند؛ بنابراین، تنها خداوند است که سزاوار قانون‌گذاری برای انسان است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۶: ص ۵۸).

بنابراین، اعتباریابی و اعتمادپذیری در پژوهش‌های مدیریت اسلامی همراه استنادات دینی است. گزاره‌های مستند به منابع اسلامی بیان‌کننده حقیقت بوده و معتبر است؛ از این رو، محققان مدیریت اسلامی باید برای کسب اعتماد در یافته‌های پژوهشی، به بررسی اسناد (قرآنی و روایی) از نظر شکلی و محتوایی بپردازند تا اطمینان حاصل کنند که برداشت‌های دینی آنان صحیح است. از نظر شکلی، انتساب قرآن به کلام‌الله، جای شک و تردیدی نیست؛ هرچند نسبت‌دادن موضوعات مدیریت اسلامی به آیات قرآن نیازمند مستندات عقلی یا روایی است؛ اما بررسی روایات معصومین (علیهم‌السلام) و بررسی صحت انتساب به معصومین (علیهم‌السلام)، امری تخصصی بوده و نیازمند بررسی کارشناسانه است. همچنین، فهم محتوایی آیات و روایات و درک مناسب از مفاهیم و مضامین وحی و معصومین (علیهم‌السلام) نیز با دقت و وسواس صورت می‌گیرد. بدین جهت، اندیشمندان از دانش‌هایی نظیر رجال، درایه، فلسفه، کلام، اصول فقه (مباحث الفاظ) و منطق برای فهم دقیق محتوایی استفاده می‌کنند.^۱

به منظور اطمینان از صحت استناد دینی در دستاوردهای مدیریت اسلامی، می‌توان چند ملاک یا سنجه را شناسایی کرد و براساس این سنجه‌ها، می‌توان صحت و قوت استناد دینی را در مدیریت اسلامی شناسایی کرد.

۱. خوشبختانه، با توسعه فناوری‌های دیجیتال، نرم‌افزارهایی برای بررسی صحت و سقم روایات تدوین شده و در دسترس است. مانند نرم‌افزارهای درایة‌النور، جامع الاحادیث، معجم موضوعی بحارالانوار، رجال شیعه، و غیره.

سنجۀ اول: متکی به دلیل شرعی

مطالعات مدیریت اسلامی با استناد دینی معتبر خواهند بود. این استنباط‌ها، نیازمند دلیل هستند. صحت استناد دینی را با سنجۀ دلیل لفظی یا دلیل عقلی می‌توان سنجید. در علم اصول فقه که شیوه‌های استنباط احکام شرعی را تشریح می‌کند، بیان شده که دلیلی که براساس یکی از اوصاف الفاظ، مانند عموم، اطلاق، تقیید، حقیقت، مجاز و غیره استنباط شود، دلیل لفظی یا نقلی شمرده می‌شود. اگر بخواهیم در تبیین و توصیف «برنامه‌ریزی» آن را به روایت امیرالمومنین (علیه السلام) که فرمودند: «الْتَدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُ الْعِثَارُ»: «برنامه‌ریزی پیش از اقدام، سبب ایمنی از پشیمانی است» مستند کنیم، لازم است دلالت این روایت بر مفهوم برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گیرد. واژگان این روایت از نظر اوصاف لفظی مورد مذاقه قرار می‌گیرد و در صورت تأیید، می‌توان اهمیت و جایگاه برنامه‌ریزی در مدیریت اسلامی را به این روایت مستند کرد. چنان‌که گاهی ادراک عقلی مستند حکم شرعی قرار می‌گیرد. هنگامی که بین احکام شرعی و احکام عقلی تراحم یافت می‌شود، در این حالت از دلیل عقلی استفاده می‌شود. استنباط‌های عقلی نیز سنجه‌ای برای استنادهای دینی محسوب می‌شوند؛ از این رو، گفته می‌شود حکم عقلی دلیل شرعی است.

بنابراین، به منظور اعتباریابی و اعتمادسازی یافته‌های مدیریت اسلامی نیازمند استناد دینی هستیم (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵) و استناد دینی می‌تواند براساس میزان اتکا به ادله شرعی شناسایی شود. به هر میزان که استنباط‌های انجام‌شده از ادله عقلی یا لفظی بیشتر بهره‌مند باشند؛ اطمینان از مستندبودن دینی آن‌ها افزایش می‌یابد.

سنجۀ دوم: سازگاری با دیدگاه اندیشمندان اسلامی

استنباط‌های مدیریتی از آموزه‌های اسلامی نباید با دیدگاه‌های اندیشمندان و علمای اسلامی مخالفت داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ص ۱۲۸). از آنجاکه علمای اسلامی شهیر (همانند مراجع تقلید یا مفسران بزرگ قرآن)، با تکیه بر منابع اصیل اسلامی سخن گفته و فتوا می‌دهند و کلام آن‌ها مبتنی بر چهارچوب‌های پذیرفته‌شده اسلامی است، می‌تواند سنجه‌ای برای صحت استناد دینی محسوب شود. تبیین این موضوع در دانش اصول فقه با عناوین شهرت،^۱ سیره متشرعه،^۲

۱. شهرت در لغت به معنای شایع شدن و رواج یافتن یک امر است و در اصطلاح فقها و محدثان سه قسم است: شهرت روایی، شهرت عملی و شهرت فتوایی.

۲. سیره متشرعه یا سیره اسلامی عبارت است از بنای عملی مسلمانان بر انجام کاری یا ترک کاری که این سیره از اسلام نشئت گرفته باشد نه از عام.

بناء عقلا مطرح شده است. ازسوی دیگر، هنگامی که یافته محقق مدیریت اسلامی، با دیدگاه‌ها و نظریات علمای اسلامی که براساس اجتهاد به‌دست آمده است هماهنگ و سازگار باشد، اطمینان بیشتری پیدا خواهد شد که این یافته مدیریت اسلامی از صحت و سلامت برخوردار است و بر این اساس، اعتباریابی و اعتمادپذیری بهتری به‌دست می‌آید. محققان مدیریت اسلامی هنگامی که یافته جدیدی را استنباط کردند و آن را در تقابل با یافته‌های علمای اسلامی دیدند از نسبت دادن یافته مدیریتی به اسلام خودداری می‌کنند. نظیر چنین کاری اکنون در بررسی قوانین مجلس توسط فقهای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.

۲. انسجام و هماهنگی

آموزه‌های دین اسلام، اعم از عقاید، احکام و اخلاق، مجموعه‌ای منسجم با هدف کسب سعادت انسانی است. گزاره‌ها و دستورات استنباط‌شده نیز باید تحقق این هدف را دنبال کنند. یعنی با یکدیگر در تعارض و تضاد نباشند، بلکه تقویت‌کننده یکدیگر باشند. گزاره‌های ناسازگار با آموزه‌های بنیادی اسلام، به‌عنوان گزاره‌های اسلامی پذیرفته نمی‌شود. نظام مدیریتی اسلام نیز بر همین منوال باید انسجام داشته و نظام‌مند باشد (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷: ص ۱۳۴). انسجام و نظام‌یافتگی در یافته‌های مدیریت اسلامی هم باید درون‌سیستمی باشد و هم برون‌سیستمی. یعنی همه گزاره‌های مدیریتی اسلام در درون سیستم باید با هم هماهنگ و سازگار باشد و هیچ گزاره‌ای نباید با گزاره دیگر ناسازگار باشد. همخوانی و نظام‌یافتگی بین گزاره‌های یک دانش بیانگر توانمندی و اطمینان آن دانش خواهد بود. چنان‌که مجموعه سیستم با زیربنای آن (یعنی مبانی فلسفی و فکری)، باید همخوانی و سازگاری داشته باشد. یعنی گزاره‌های مدیریت اسلامی، برآمده از مبانی فلسفی و فکری اسلام باشند. این سازگاری نشانه این است که با سایر نظام‌های فردی و اجتماعی اسلام نیز، سازگاری وجود دارد.

نظام‌های دانشی هنگامی که بر یک زیربنا استوار باشند، یک هدف اساسی را دنبال خواهند کرد. قرآن کریم به‌عنوان اساسی‌ترین منبع اسلامی، مهم‌ترین دلیل بر حقانیت و درستی خود را عدم اختلاف و تعارض در آیات خود می‌داند و می‌فرماید: آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر ازسوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند (نساء: ۸۲). این آیه قرآن انسجام و هماهنگی بین آیات قرآن را دلیل بر حقانیت و درستی خود می‌داند.^۲ شبیه این موضوع نسبت به آموزه‌های

۱. بناء عقلا یا سیره عقلانیه عبارت است از بنای عملی همه عقلای عالم بر پذیرش یا عدم پذیرش امری.

۲. برای مطالعه بیشتر به ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱: ص ۱۰۲ مراجعه کنید.

دیگر شریعت اسلام هم هست. همان‌طور که آیات قرآن کریم دارای انسجام بوده و از هماهنگی برخوردار است، آموزه‌های اسلامی نیز دارای هماهنگی و انسجام است؛ بنابراین، هر یافته‌ی مدیریتی را که به اسلام نسبت می‌دهیم نباید با آموزه‌های دیگر اسلام ناسازگار باشد. اگر یافته‌های تحقیقی مدیریت اسلامی با گزاره‌های اسلامی ناهماهنگ و ناسازگار باشد، نباید آن‌ها را پذیرفت.^۱ البته ممکن است در استنباط‌های اسلامی در نگاه اولی و سطحی با ناسازگاری مواجه شویم. به این منظور باید با استفاده از سنجه‌های انسجام، آن‌ها را محک زد و سره را از ناسره بازشناخت.

سنجه اول: سازگاری با فطرت انسانی

یکی از سنجه‌های نظام‌یافتگی گزاره‌های مدیریت اسلامی سازگاری با فطرت انسانی است. مبنای دستورات خداوند، سازگاری با فطرت انسانی است. خداوند می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰). پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است. در تفسیرالمیزان آمده است که تمامی احکام اسلام مطابق نظام جاری در تکوین، تشریح شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۳۳۳). یعنی نمی‌شود که یک گزاره به‌عنوان یافته‌ی مدیریت اسلامی، شناخته شود اما پذیرش فطری آن دشوار یا غیر قابل قبول باشد.

فطرت که همان بینش شهودی انسان به هستی محض، گرایش آگاهانه، کشش شاهدانه و پرستش خاضعانه نسبت به حضرت اوست، نحوه‌ی خاصی از آفرینش است که حقیقت آدمی به آن نحو سرشته شده و جان انسانی به آن شیوه خلق شده است. خاصیت امور فطری آن است که اولاً، مقتضای آفرینش انسان است و اکتسابی نیست؛ ثانیاً، در عموم افراد وجود دارد و همه‌ی انسان‌ها از آن برخوردارند؛ ثالثاً، تبدیل یا تحویل‌پذیر نیست گرچه شدت و ضعف می‌پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۷). هر گزاره‌ی استنباط‌شده از منابع اسلامی را می‌توان با محک فطرت انسانی پایش کرد تا میزان سازگاری و انسجام آن را با آموزه‌های اسلامی شناسایی کرد. هنگامی که مدیران پاک‌سرشت مرتکب دروغ‌گویی یا ظلم شوند، احساس شرم و آزرده‌گی روحی پیدا می‌کنند. این نشان‌دهنده‌ی فطرت اصیل و پاک انسانی است. دستاوردهای تحقیقات مدیریت اسلامی نیز بخشی از منظومه‌ی فکری اجتماعی مسلمانان است و نیازمند هم‌سنخ‌بودن و سازگاری با فطرت انسانی است.

۱. در یافته‌هایی که در بین آموزه‌های اسلامی نظیر ندارند و نمی‌توان هماهنگی آن را با دیگر گزاره‌ها ارزیابی کرد، به همین میزان که در مخالفت و تضاد با دیگر گزاره‌ها نباشد، قابل پذیرش است. مانند مسائلی که در طراحی ساختار سازمانی و انواع طراحی سازمانی از نظر فقهی مطرح می‌شود.

سنجۀ دوم: سازگاری با ضوابط و قواعد اسلامی

به منظور شناسایی نظام‌یافتگی مدیریت اسلامی، می‌توان یافته‌ها را براساس ضوابط اسلامی و قواعد اسلامی سنجش کرد. منظور از ضوابط اسلامی حاکم بر یک قلمرو یا حیطه، ارزش‌ها و هنجارهای نسبتاً عامی هستند که بر همهٔ مسائل دانش مدیریت حاکمیت دارند. همچون چتری می‌مانند که همهٔ جزئیات آن قلمرو را تحت پوشش دارند. قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی، آن دسته از هنجارها و ارزش‌های اسلامی است که همهٔ حوزه‌ها و قلمروهای زیست انسانی را پوشش می‌دهند و در همهٔ جزئیات و مصادیق زیست انسانی جریان دارند (شریفی، ۱۳۹۷: ص ۱۷).

هنگامی که می‌خواهیم یافتهٔ مدیریت اسلامی را اعتباریابی کنیم تا اعتمادسازی صورت گیرد، باید از انسجام و هماهنگی آن با دیگر آموزه‌های اسلامی اطمینان حاصل کنیم. برای این منظور باید آن را با ضوابط اسلامی در مدیریت مورد سنجش قرار داد. ضوابط اسلامی در مدیریت می‌تواند اهتمام به امور مسلمانان، اعتلای جامعهٔ اسلامی، بصیرت و دوراندیشی، مشورت‌دهی و مشورت‌گیری، مسئولیت‌پذیری و مانند این‌ها باشد (منطقی و شریفی، ۱۳۹۷: صص ۴۹-۵۰).

یافته‌های مطالعات مدیریت اسلامی باید با قواعد اسلامی نیز مورد سنجش قرار گیرند تا نسبت به انسجام و هماهنگی آن با آموزه‌های اسلامی اطمینان حاصل شود. ویژگی قواعد این است که در هر قلمرو و حیطه‌ای ممکن است به شکلی خاص نمودار شوند. به‌عنوان مثال، قاعده‌ای مثل «لاضرر ولاضرر فی الاسلام» (ر.ک.: مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۲۸-۱۱۰؛ ایروانی، ۱۴۲۶: صص ۸۵-۱۶۹) به قلمرو مسائل عبادی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اداری و امثال آن اختصاص ندارد، بلکه در همهٔ حوزه‌های زیست انسانی جریان دارد. قواعد حاکم بر زیست انسانی در مدیریت اسلامی می‌تواند «قاعدهٔ عدالت»، «قاعدهٔ مبارزه با ظلم»، «قاعدهٔ دفاع از مظلومان»، «قاعدهٔ خدمت به مسلمانان» باشد (منطقی و شریفی، ۱۳۹۷، صص ۵۱-۵۰). یافته‌های مدیریت اسلامی هنگامی که هماهنگ و سازگار با این قواعد باشد و هیچ‌کدام از آن‌ها را نقض نکنند، دارای اعتباریابی و اعتمادسازی است.

در روش اجتهاد، هنگام مواجه‌شدن با ناسازگاری مفاهیم و دلالت‌های آیات و روایات، توصیه‌هایی برای بررسی این ناسازگاری مطرح شده است که در دانش مدیریت نیز کارایی دارد. به‌عنوان نمونه، هنگامی که دو گزارهٔ مدیریتی استنباط‌شده با یکدیگر ناسازگار بوده و از انسجام و هماهنگی برخوردار نبودند، قواعدی با عنوان تعارض، تراحم و غیره مطرح می‌شود. این قواعد درصددند ناهماهنگی بین گزاره‌های استنباط‌شده را شناسایی کرده و سره‌را از ناسره جدا کنند. اگر ناهماهنگی گزاره‌های استنباط‌شده با این توصیه‌ها رفع نشود، نمی‌توان آن‌ها را به اسلام نسبت داد.

در صورت سازگاری و هماهنگی بین گزاره‌های استنباط‌شده با گزاره‌های بنیادی اسلام، می‌توان این اطمینان را داشت که اعتباریابی و اعتمادسازی به‌دست آمده است.

سنجۀ سوم: سازگاری با گزاره‌های بنیادی اسلام

علوم انسانی مجموعه‌ای هدفمند از یک سیستم گسترده از آگاهی‌ها را تشکیل می‌دهد. دانش مدیریت یکی از اجزای این سیستم است. این سیستم بر مجموعه‌ای از دانش و پیش‌فرض‌ها به نام مبانی یا فلسفۀ علم استوار است. نظام‌یافتگی علوم انسانی به اتکای پیش‌فرض‌های بنیادی است. تولید یا بازتولید و یا بازسازی یک علم از علوم انسانی همانند مدیریت، یک فرایند آگاهانه است که نیازمند همخوانی با دیگر اجزای آن را دارد. گزاره‌های بنیادین، چهارچوب‌ها و حد و مرز این فرایند و نتایج آن را بنیان نهاده‌اند.

دانش مدیریت بر پایه و محور گزاره‌های بنیادین بالنده می‌شود. بوریل و مورگان می‌گویند: ادعای محوری ما این است که «تمام نظریه‌های سازمان بر فلسفۀ ای از علم و نظریه‌ای از جامعه مبتنی است». یعنی علوم اجتماعی براساس چهار مجموعه از پیش‌فرض‌ها بنا شده است که عبارت‌اند از معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، روش‌شناسی، و انسان‌شناسی (بوریل و مورگان، ۱۳۸۳: ص ۱۰). نظریه‌ها و گزاره‌های مدیریت براساس این محورها شناسایی و پذیرش می‌شوند. مبانی علوم انسانی نقش مهندسی دانش مدیریت را بر عهده دارند. گزاره‌های ناهمخوان با این طرح مهندسی، در چهارچوب و حدود این دانش قرار نگرفته و از انسجام و هماهنگی برخوردار نیستند. بر همین اساس، از اعتبار لازم برخوردار نبوده و قابل اعتماد نیست.

در علوم انسانی اسلامی نیز پیش‌فرض‌های متعددی وجود دارد که چهارچوب این علوم را نظم می‌بخشد. مبانی و پیش‌فرض‌هایی همچون معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، مبانی الهیاتی، روش‌شناسی، انسان‌شناسی (برای مطالعه بیشتر ر. ک.: مصباح یزدی، ۱۳۸۰) و ارزش‌شناختی. این مبانی در دانش‌های بنیادی بررسی شده و اثبات شده‌اند و دانش مدیریت از آن‌ها بهره می‌برد و پیش‌فرض‌های متناسب و کاربردی برای دانش مدیریت اسلامی طراحی می‌شود. بر همین اساس نیز برای اعتباریابی و اعتمادسازی، در گزارۀ مدیریت اسلامی، برای شناسایی انسجام و هماهنگی می‌توان از سنجۀ همخوانی و سازگاری با گزاره‌های بنیادی اسلامی سود جست؛ از این رو، در مدیریت اسلامی، مفاهیمی مانند شانس یا اتکای زیاد و قطعی بر برنامه‌ریزی، به دلیل ناسازگاری

با مفاهیم بنیادی هستی‌شناسی و ارزش‌شناسی مانند ربوبیت تکوینی^۱ ناسازگار تلقی شده و مورد اعتنا نیستند.

۳. مطابقت با واقعیت

یکی از اهداف مهم به‌کارگیری اعتباریابی و اعتمادسازی در پژوهش‌های کمی، شناسایی میزان تطابق یافته‌های پژوهش با واقعیت است. این موضوع در مبانی معرفت‌شناختی مورد تحلیل قرار گرفته است و با عنوان «معیار صدق» در خصوص آن مطالعات گسترده‌ای انجام شده است. از ارسطو نقل شده است که صدق یعنی اینکه درباره «آنچه هست» بگوییم «هست» و درباره «آنچه نیست» بگوییم «نیست» (ارسطو، ۱۳۷۸: ص ۳۲). منظور از صدق یا کذب، مطابقت داشتن یا نداشتن علم حصولی با واقع است. همان‌گونه که معادلات ریاضی و نسبت‌های هندسی در صورتی که با روابط ریاضی و هندسی مطابقت داشت صادق‌اند، یک گزاره مدیریتی یا سازمانی، در صورت تطبیق با واقعیت، صادق است و در صورت عدم تطابق، کاذب و ناصحیح تلقی می‌شود. نتایج تحقیق گاه صادق است که آن را حقیقت نیز می‌گویند و گاه حقیقت نیست که آن را «خطا» می‌نامند (گروه نویسندگان، ۱۳۹۱: ص ۹۹) در پژوهش‌های کیفی محققان اسلامی به دنبال مطابقت یافته‌های تحقیق خود با واقعیت و نفس‌الامر هستند تا صادق بودن آن را به‌دست آورند. البته روشن است که واقعیت و نفس‌الامر در هر موضوعی به تناسب آن شکل می‌گیرد (سلیمانی امیری، ۱۳۹۵: ص ۴۱).

اعتباریابی و اعتمادسازی دستاوردهای مدیریت اسلامی باید حکایت‌کننده واقعیت باشد. اگر دستاورد مدیریت اسلامی با حقیقت و نفس‌الامر فاصله داشته باشد، توهمی و غیرواقعی تلقی می‌شود. هنگامی که حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) از مردم پرسید چه چیزی می‌پرستید؟ آنان ستاره، ماه، و خورشید را یکی‌یکی نشان می‌دادند؛ اما حضرت آن‌ها را با این واقعیت آشنا کرد که معبود قابل پرستش موجودی است که هیچ‌گاه افول نکند و غایب نباشد (انعام: ۷۹-۷۵). واقعیت خداوند اشرف بر همهٔ بندگان در همهٔ زمان‌هاست. موجودی که چنین ویژگی‌ای را ندارد، صلاحیت و شایستگی پرستش را ندارد؛ در واقع حضرت اعتبار معبود آنان را خدشه‌دار کرد و به آنان فهماند که یافتهٔ آنان با واقعیت سازگاری ندارد؛ بنابراین، اعتماد آنان به خدای توهمی از بین رفت و خدای واقعی به آنان نمایانده شد.

۱. توحید در ربوبیت تکوینی یعنی اعتقاد به اینکه تنها خداوند مدبر و کارگردان جهان است و هیچ‌کس بدون اذن و ارادهٔ الهی نمی‌تواند کوچک‌ترین تأثیری در جهان هستی داشته باشد.

گزاره مدیریتی آنگاه ارزش اعتباریابی و اعتمادسازی دارد که بیان‌کننده واقعیت باشد و بتواند حقیقت سازمان را برای محقق توصیف کرده یا راهکاری برای تغییر و تحول ارائه کند و خیالی یا وهمی نباشد؛ بنابراین، هرگاه یافته‌های پژوهشی در مدیریت اسلامی با واقعیت مطابقت نداشت، از درجه اعتبار علمی ساقط بوده و قابل اطمینان نیست.

سنجش‌های مطابقت با واقعیت

دانش مدیریت اسلامی با واقعیات متعددی مواجه است. برخی از گزاره‌ها جنبه عینی داشته و می‌توان مصادیق آن را مشاهده کرد و برخی دیگر، قابل مشاهده عینی نیستند. هر کدام از آن‌ها از ابزار یا شیوه خاص خود برای تطابق با واقعیت بهره‌مندند. واقعیت نفس‌الامری را می‌توان در سه حالت مورد مطالعه و سنجش قرار داد.

الف- «واقعیت و نفس‌الامر» در گزاره‌های مبتنی بر متافیزیک: برخی از یافته‌های مدیریت اسلامی بیان‌کننده واقعیت متافیزیکی است. مانند مفهوم «اراده خداوند در تمشیت امور سازمان». اراده خداوند یعنی هر آنچه بخواهد در عالم واقع به وقوع بپیوندد باید متعلق خواست خداوند باشد؛ چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ»؛ «هر چیزی به اراده او به پا داشته می‌شود» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۰۹). یعنی مدیران سازمان‌ها می‌دانند که برنامه‌ها و تصمیمات آنان هنگامی تحقق می‌یابند که خواست و اراده الهی نیز به آن تعلق بگیرد. مدیران در اداره سازمان خود را همه‌کاره نمی‌دانند و هم‌زمان که به برنامه‌ریزی و تمهید امکانات و منابع انسانی برای پیشبرد کارها مشغول هستند، اگر از خداوند نیز درخواست دارند که اراده او نیز به انجام این کار تعلق بگیرد، این یک مفهوم مدیریت اسلامی است که تطبیق آن با واقعیت، متناسب با مفاهیم متافیزیکی است و وابسته به اعتقاد و ایمان قلبی است. به هر میزان که مدیران از ایمان و اعتقاد بیشتری برخوردار باشند، باورپذیری آنان از مفهوم اراده الهی و مفاهیم مشابه در متافیزیک بیشتر است. سنجش «واقعیت و نفس‌الامر» در گزاره‌های متافیزیکی به صورت شهودی و قلبی رخ می‌دهد. همانند اعتقاد به وجود قیامت و بررسی اعمال در آخرت و اعطای پاداش و اعمال تنبیه براساس عملکرد.

ب- «واقعیت و نفس‌الامر» در گزاره‌های تجربی، با ابزارهای حسی قابل تجربه است. مانند اعتقاد به وجود خورشید، ماه، و غیره در پیرامون خود. این اعتقاد با ابزارهای حسی تأیید می‌شود. در دانش مدیریت اسلامی نیز می‌توان گزاره‌های فراوانی یافت که قابل اثبات از طریق تجربه حسی هستند. مثلاً از این روایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که فرمودند: هر که از پیش به استقبال کارها

رود بینا شود و هر که به آن‌ها پشت کند و آماده نشود سرگردان می‌شود،^۱ «ضرورت پیش‌بینی در کارها» استفاده می‌شود و می‌توان تطابق آن را با واقعیت براساس تجربه و تفکر درک کرد.

ج- «واقعیت و نفس الامر» در گزاره‌های منطقی و ریاضی «امور ذهنی و انتزاعی» است. تطبیق این‌گونه گزاره‌ها با واقعیت همانند توان ذهن در تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی، یا قدرت ذهن در تقسیم اعداد به مقسم‌های متعدد، به‌صورت ذهنی و عقلی است. در یافته‌های مدیریت اسلامی نیز می‌توان گزاره‌هایی را یافت که دارای چنین خصوصیتی هستند و با تبیین رابطه بین اجزای آن‌ها، واقعیت آن‌ها براساس استدلال قابل اثبات بوده و تردیدناپذیر می‌شوند.

همان‌گونه که در مطالعات رفتار سازمانی از فرمایش امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) استفاده می‌شود که فرمودند: «هر که به سزا یقین داشته باشد، جز کار خوب بر نمی‌گزیند» (آمدی، ۱۳۶۰: ح ۸۶۶۶)؛ واقعیت این موضوع استدلال‌پذیر بوده و قابل پذیرش است؛ بنابراین، «واقعیت و نفس الامر» در گزاره‌های منطقی و ریاضی همان حقیقت استدلال‌پذیر است و براساس یافته‌های تحلیلی می‌توان پذیرفت سنجۀ این موارد معیارهای منطقی و ریاضی است.

۴. کارآمدی

کارآمدی، یکی از عوامل و شاخص‌های اعتباریابی و اعتمادسازی است. مهم‌ترین هدف شریعت مقدس اسلام، ایجاد تحول و دگرگونی در رفتار و کسب سعادت برای انسان است. کارآمدی در مدیریت به معنای درجه یا میزانی است که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده دست یابد (فرنچ، ۱۳۷۱: ص ۲۱۱). منظور از کارآمدی قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف مشخص و از پیش تعیین‌شده است. کارآمدی بیان‌کننده میزان اثربخشی، کارایی (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی، ۱۳۹۷: ص ۱۳۵) و قابلیت برای دست‌یافتن به هدف است. کارآمدی را در هر سیستمی متناسب با اهداف ترسیم‌شده در آن سیستم مشخص می‌کنند (شبان‌نیا، ۱۳۹۵: ص ۲۳۱).

امتیاز اسلام نسبت به ادیان موجود کارآمدی است. یعنی توصیه‌ها و برنامه‌های آن در زندگی دنیوی و اخروی، هدف‌گذاری شده و تأثیر ارزشمندی در سعادت انسان در پی خواهد داشت (فتحعلی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۲). هر یک از برنامه‌های اسلامی توان دگرگونی و پیشرفت در مسیر کمال را داراست. گزاره‌های تولیدشده با روش مدیریت اسلامی باید بتواند به حل مسائل زندگی کمک کند. طرح مباحث توهمی و عاری از تأثیر در سعادت انسان و فاقد اثربخشی و کارایی در

۱. «اسْتَقْبَلِ الْأُمُورَ أَبْصَرَ، مَنْ اسْتَدْبَرَ الْأُمُورَ تَحَيَّرَ» (آمدی، ۱۳۶۰: ح ۲۶۶).

هدف، فاقد کارآمدی است. برای کارآمدی دستاوردهای مدیریت اسلامی، می‌توان چند ملاک یا سنجه را شناسایی کرد و بر اساس این سنجه‌ها، کارآمدی را پایش کرد.

سنجه اول: حل مسائل واقعی زندگی

زندگی دنیوی و تأمین نیازهای مادی، هرچند هدف اصلی دین نیست، اما دینی که دنیا را به منزله پل برای رسیدن به سعادت اخروی می‌داند، نمی‌تواند نسبت به این نیازها بی‌تفاوت باشد؛ بنابراین، پرداختن به امور دنیوی، هدف ثانوی دین است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ص ۱۱۴). از آنجاکه مسلمانان حقانیت دین اسلام را پذیرفته‌اند و معتقدند که اسلام می‌تواند در زندگی دنیوی و اخروی آنان تأثیر داشته باشد، آنان اثر این اعتقاد را در زندگی شخصی و سازمانی می‌بینند.

آموزه‌های معتبر اسلامی راه‌گشای معضلات بنیادی زندگی است. بدین معنا که مسلمانان هنگامی که معتقد به جهان‌بینی اسلامی هستند، می‌توانند مصائب و مشکلات زندگی خود را به شیوه کارآمد تحلیل کنند و در این مسیر به بن‌بست نمی‌رسند. فقدان مجموعه‌ای منسجم از تفکر جهان‌بینی ممکن است فرد را در هنگام مواجهه با مشکلات زندگی، چنان غرق کند که دست به خودکشی زده و یا حاضر باشد به منافع دیگران لطمه بزند.

سنجه حل مسائل زندگی به این معنا نیست که برای اعتباریابی و اعتمادسازی یک پژوهش مدیریت اسلامی باید به انتظار پایان عملیات و دریافت بازخورد نشست تا بعد از دریافت نتیجه آن پژوهش را ارزیابی کرد، بلکه این سنجه یک باور پیشینی است؛ بدان معنا که محقق باید عناصری را در تحقیق لحاظ کند که به کارآمدی منجر شود و فایده عملی داشته باشد (توسلی و سعدی، ۱۳۹۴: ص ۸۷). هنگامی که هدف‌گذاری یک پژوهش حل مسائل واقعی زندگی باشد، این باور پیشینی می‌تواند مؤلفه‌های تحقیق را به سمت کارآمدی سوق دهد. به‌عنوان نمونه، پژوهش‌های مدیریت اسلامی باید بتوانند از اصول اخلاق اسلامی پشتیبانی مناسب کرده و در معنابخشی آن‌ها مؤثر باشند. یک پژوهش مدیریت اسلامی باید تقویت‌کننده عدالت سازمانی، تقییح ظلم به کارکنان، مذمت‌کننده کم‌کاری و غیره باشد تا بتوان گفت که به مسائل واقعی زندگی پرداخته است. براساس این سنجه می‌توان برخی از پژوهش‌های رفتار سازمانی که به دنبال حل مسائل سازمان به شکل نادرست و غیرمعمول و خلاف اخلاق هستند را ناکارآمد دانست.^۱

۱. مانند پژوهش‌هایی که برای موفقیت در مذاکره و نفوذ از عنصر زن‌بدکار و یا اعطای رشوه استفاده می‌کنند: Dooley, Roger 2012, Female Flirting: Sound Business Strategy, Better business through behavioral science.

سنجه دوم: تصريح نص معتبر

هنگامی که در آیه یا روایتی نسبت به یک موضوعی تصريح می شود و یا بر مفهوم مشخصی دلالت صریحی وجود دارد، عمل بر طبق آن لازم و مفید است. منظور از دلالت صریح، راهنمایی مستقیم و قطعی لفظ به مفهوم و معنای روشن است. این دلالت به گونه ای روشن است که نیاز به هیچ قرینه ای نیست. هنگامی که قرآن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید!... (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید!» (مانده: ۲)، به طور صریح برای مدیران و کارکنان این پیام را دارد که نه تنها نباید مرتکب گناه و تعدی شوند، بلکه نباید در تولیدات و خدمات خود، به گناهکاران و تعدی کنندگان یاری رسانند، صراحت این آیه به گونه ای واضح است که در مفهوم آن تردیدی وجود ندارد. در مطالعات مدیریت اسلامی باید تلاش شود که یافته ها با نصوص معتبر هماهنگ باشند تا بتوان از اعتباریابی و اعتمادسازی آن اطمینان حاصل کرد.

سنجه سوم: کشف ملاک

با بررسی برخی از متون دینی که پیرامون یک موضوع مطرح شده است، می توان قواعد و ملاک هایی را استخراج کرد. این قواعد و ملاک ها زمینه توسعه مفهومی را ایجاد می کنند. گاهی یک سند معتبر دینی حکمی را در خصوص یک موضوع بیان می کند که با رعایت قواعد مطرح در دانش اصول فقه می توان از آن یک قاعده و مناطی را کشف کرد. این قاعده می تواند در موضوعات دیگر نیز مورد عمل قرار گیرد. در سنجه دوم از دلالت روشن و صریح لفظ، یک قاعده استخراج می شد؛ اما در سنجه سوم با تحلیل لفظ و الغای خصوصیت، یک قاعده استنباط می شود. با شناسایی و تحلیل موضوع می توان قاعده استنباط کرد (علیدوست، ۱۳۸۸: ص ۴۸۰). اگر چنین قواعدی در چهارچوب پذیرفته شده دینی باشد، می تواند معیاری برای کارآمدی باشد و اعتباریابی و اعتمادسازی پژوهش را نشان دهد.

هنگامی که خداوند می فرماید: «و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن ها روا مدار! و بر آن ها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن ها بگو» (اسراء: ۲۳)، از فحوای این آیه به ویژه جمله «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ»، یک قاعده کشف می شود که نباید به پدر و مادر بی احترامی کرد و بر همین اساس، ضرب و جرح آن ها گناهی نابخشودنی است. چون این برداشت براساس قاعده و مناطی است که از تحلیل آیه به دست آمده، دارای کارآمدی است. مشابه این تحلیل نیز در استنباط شخصیت حقوقی از شخصیت حقیقی در مطالعات سازمانی مورد استفاده قرار می گیرد. اگر یافته های پژوهش مدیریت

اسلامی با ملاک‌های کشف‌شده در احکام و دستورات دینی سازگاری داشته باشد،^۱ می‌توان نسبت به کارآمدی این پژوهش اطمینان داشت و اعتباریابی و اعتمادسازی آن‌ها را پذیرفت.

سنجه چهارم: ارزیابی عملی

کارآمدی یک گزاره استنباط‌شده در مدیریت اسلامی را می‌توان با سنجه ارزیابی عملی اندیشمندان اسلامی شناسایی کرد. این بدان معناست که اگر یک گزاره مدیریت اسلامی مورد عمل اندیشمندان اسلامی قرار گرفت یا اگر به آنان عرضه شد و با آن مخالفت نکردند، این گزاره استنباط‌شده مدیریت اسلامی کارآمد بوده و می‌تواند در ترویج دین به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، می‌توان آن را به اسلام نسبت داد و آن را اسلامی دانست. این سنجه از فحوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل استنباط است. قانون اساسی، در اصل سوم، به موضوع کارآمدی حکومت اسلامی در عرصه‌های مختلف پرداخته و در اصول متعدد بر اسلامیت حکومت و قانون تأکید می‌کند.^۲ هنگامی که سخن از اسلامی بودن و نبودن قوانین در جمهوری اسلامی می‌شود، از همین راهکار استفاده می‌کند. یعنی قوانین مصوب مجلس هنگامی که مورد مخالفت فقها و اسلام‌شناسان شورای محترم نگهبان قرار نگیرد، اسلامی تلقی می‌شود.^۳

مدیران سازمان‌ها نیز می‌توانند علاوه بر اقتباس از عملکرد عالمان دینی، برای تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های سازمانی، مقررات و آیین‌نامه‌های خود را با کارشناسان دینی در میان بگذارند تا آنان براساس منظومه فکری و علمی فراگرفته از آموزه‌های اسلامی، ناسازگاری آن‌ها را تشخیص دهند و موارد ناروای آن را معین کنند. اگر یافته‌های پژوهش با اندیشه علمای دین ناسازگاری داشت، فاقد اعتبار است و کارآمدی ندارد و بر همین اساس، توانایی اعتباریابی و اعتمادسازی را نخواهد داشت. این سنجه در سیره علما و دانشمندان حوزه‌ای متداول است. آنان هنگامی که یک حکم شرعی را استنباط می‌کنند، می‌نگرند که یافته‌های فقهی آنان خلاف نظر مشهور یا برخلاف اجماع نباشد. پژوهشگران مدیریت اسلامی نیز بر همین اساس، این سنجه را در استنباط‌های خود مورد توجه قرار می‌دهند.

۱. باید توجه داشت که در کشف ملاک، محقق نباید گرفتار قیاس نامطلوب و غیرشرعی شود. قیاس اقسامی دارد: قیاس اولویت، قیاس منصوص العله، قیاس تنقیح مناط، و قیاس مستنبط العله. سه قسم اول دارای اعتبار شرعی است ولی قسم اخیر در فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) غیر قابل قبول است.

۲. مانند اصل دوم، اصل چهارم، اصل هفتادودوم.

۳. اصل نودویکم قانون اساسی.

نتیجه‌گیری

۱. در پژوهش‌های علوم انسانی، محققان برای اثبات درستی یافته‌های پژوهش، از ابزارهای روایی و پایایی استفاده می‌کنند تا بیان کنند که روش به کار گرفته شده در تحقیق همان چیزی را اندازه‌گیری کرده که آن‌ها باید اندازه‌گیری می‌کردند (روایی) و همچنین، درجه ثبات و قابلیت پیش‌بینی نتایج تحقیق را نیز بیان کنند (پایایی). این شیوه در پژوهش‌های اثباتی و تحقیقات تجربی از قدمت و مقبولیت برخوردار است.
۲. پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی نیز برای هم‌آوردی با پژوهش‌های کمی، تلاش کرده‌اند که از ابزارهایی برای اطمینان‌بخشی، نسبت به نتایج خود بهره‌مند شوند. در این زمینه، برخی از همان مفاهیم متداول در پژوهش‌های کمی استفاده کرده‌اند و برخی دیگر، مفاهیم دیگری را تولید کرده‌اند.
۳. اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در مدیریت اسلامی، براساس پژوهش‌های کیفی صورت می‌گیرد. متناسب با آموزه‌های اسلامی و دانش مدیریت، مناسب است که نسبت به ابزارهای اطمینان‌بخش پژوهشی مطالعه صورت گیرد. این پژوهش تلاش دارد که در این زمینه راهکار و ابزاری را در اختیار محققان مدیریت اسلامی قرار دهد.
۴. در این پژوهش به منظور اعتباریابی (روایی) و اعتمادپذیری (پایایی)، چهار عنصر شناسایی شده‌اند که عبارت‌اند از: استناد دینی، انسجام و هماهنگی، مطابقت با واقعیت و کارآمدی. برای هر یک از این عناصر چند سنجه نیز با نمونه‌هایی از مدیریت اسلامی بیان شد.

جدول ۱ - عناصر اعتباریابی و اعتمادسازی و سنجه‌های آن

ردیف	عناصر اصلی اعتباریابی و اعتمادسازی	سنجه‌ها
۱	استناد دینی	متکی به دلیل شرعی
		سازگار با دیدگاه اندیشمندان اسلامی
۲	انسجام و هماهنگی	سازگاری با فطرت انسانی
		سازگاری با ضوابط و قواعد اسلامی
		سازگاری با گزاره‌های بنیادی اسلام
۳	مطابقت با واقعیت	متناسب با گزاره‌های مبتنی بر متافیزیک
		متناسب با گزاره‌های تجربی
		متناسب با گزاره‌های منطقی و ریاضی

حل مسائل واقعی زندگی	کارآمدی	۴
تصریح نص معتبر		
کشف ملاک		
ارزیابی عملی		

۵. استناد دینی اولین عنصری است که اعتباریابی و اعتمادسازی را شناسایی می‌کند و به معنای اتکای یافته‌های مدیریت اسلامی بر آموزه‌های اصیل اسلامی است که با دو سنجه قابل پایش است: اتکا به دلیل شرعی و سازگاری با دیدگاه اندیشمندان اسلامی. عنصر دوم انسجام و هماهنگی است که با سه سنجه قابل پایش است: سازگاری با فطرت انسانی، سازگاری با ضوابط و قواعد اسلامی و سازگاری با گزاره‌های بنیادی اسلام. سومین عنصر، مطابقت با واقعیت است که از سه سنجه نفس‌الامر در گزاره‌های متافیزیکی، گزاره‌های واقعیات مادی و گزاره‌های منطقی استفاده می‌کند. عنصر چهارم، کارآمدی است که از سنجه حل مسائل واقعی زندگی، تصریح نص معتبر و کشف ملاک بهره می‌برد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه. ترجمه علی دشتی. قم: انتشارات امام علی (ع).
۳. الآمدی، عبدالواحد. ۱۳۶۰. غررالحکم و دررالکلم. ترجمه و شرح آقاجمال خوانساری. تهران: دانشگاه تهران.
۴. ارسطو. ۱۳۷۸. مابعدالطبیعه. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو.
۵. ایروانی، باقر. ۱۴۲۶ق، درس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه. قم: دارالفقه.
۶. بوریل، گیسبون؛ مورگان، گارت. ۱۳۸۳. نظریه های کلان جامعه شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان. ترجمه محمدتقی نوروزی. قم: سمت و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه).
۷. توسلی، محمدصادق؛ سعدی، حسینعلی. ۱۳۹۴. «تبیین مؤلفه های حجیت خط مشی های عمومی». حکومت اسلامی. شماره ۷۵. صص ۶۹-۴۳.
۸. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۱. شریعت در آینه معرفت. قم: نشر اسراء.
۹. _____ ۱۳۸۷. ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت. قم: نشر اسراء.
۱۰. _____ ۱۳۸۹. «فطرت در آینه قرآن». فصلنامه انسان پژوهی دینی. شماره ۲۳. صص ۲۸-۵.
۱۱. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳. لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. روت، مایکل. ۱۳۸۹. فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه محمدشجاعیان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۳. سلیمانی امیری، عسکری. ۱۳۹۵. «تفسیر نوین معرفت شناختی و هستی شناختی از صدق و نفس الامر بر مبنای دیدگاه علامه طباطبایی (ره)». پژوهش های عقلی نوین. شماره ۱. صص ۶۱-۳۷.
۱۴. شبانیا، قاسم. ۱۳۹۵. فلسفه سیاست. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۵. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۶. روش شناسی علوم انسانی اسلامی. تهران: مرکز پژوهش های علوم انسانی اسلامی صدرا.
۱۶. _____ ۱۳۹۷. «روش اکتشاف نظریه از منابع و متون دینی». روش شناسی علوم انسانی. قم. شماره ۹۴. صص ۲۱-۷.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. ترجمه تفسیرالمیزان. جلد ۴. ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. عزیزی، شهریار. ۱۳۹۵. روش پژوهش در مدیریت. تهران: سمت.

۱۹. فتحعلی، محمود، ۱۳۹۷. درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. فرنج، درک، ۱۳۷۱. فرهنگ توصیفی مدیریت. ترجمه محمد صائبی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۱. فقیهی، ابوالحسن؛ علیزاده، محسن. ۱۳۸۴. «روایی در تحقیق کیفی». فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ مدیریت. شماره ۳. صص ۵-۱۹.
۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی. ۱۳۹۷. پیش نویس نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما). قم: دانشگاه قم.
۲۴. گروه نویسندگان. ۱۳۹۱. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۲۵. گریزری، پال. ۱۳۸۹. نقدی بر دانش مدیریت. ترجمه محمد صائبی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. لطیفی، میثم. ۱۳۹۰. «روش شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم استقرایی از پژوهش های میان رشته ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر». اندیشه مدیریت راهبردی. شماره دوم. صص ۲۵-۵۵.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۰. پیش نیازهای مدیریت اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۸. _____ ۱۳۸۶. معارف قرآن خداشناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۰. القواعد الفقهية، جلد ۱. قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب.
۳۰. منطقی، محسن؛ شریفی، احمد حسین. ۱۳۹۷. «فرایند اکتشاف نظریه اخلاقی اسلام در موضوع سکوت سازمانی». فصلنامه پژوهشنامه اخلاق. شماره ۴۲. قم. صص ۳۵-۵۴.
۳۱. هومن، حیدر علی. ۱۳۹۱. شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سمت.
32. Giorgi, A. 1988. **VALIDITY AND RELIABILITY FROM A PHENOMENOLOGICAL PERSPECTIVE**. New York : Springer.
33. Onwuegbuzie, A.J. and Johnson, R.B. 2006. "The validity issue in mixed research". **Research in the Schools**. 13(1). Pp 48-63.